

## نقد و بررسی فعالیت ها و حیات علمی - سیاسی اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)

رضا عبادی جامخانه<sup>۱</sup>

علی امیری<sup>۲</sup>

زهرابالویی جامخانه<sup>۳</sup>

زهرای ولی پور<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف محققان در این مقاله نقد و بررسی فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه بر اساس نظرات محققان می باشد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی- تاریخی بوده و منابع عمده ما آثار اعتمادالسلطنه به ویژه کتب و اسناد می باشند. اهداف تحقیق عبارتند از: ۱- بررسی دیدگاه مورخان پیرامون فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق) ۲- بررسی رابطه اعتمادالسلطنه با محققان مجموعه تالیفات و مصنفات دارالطباعه ۳- بررسی فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه. نتایج و یافته های تحقیق نشان می دهد. در ارتباط با شخصیت علمی و تالیفات اعتمادالسلطنه دو نظر وجود دارد: الف: دسته اول: مخالفان فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه می باشند مثل افضل الملک. دسته دوم: موافقان و طرفداران فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه مانند: باستانی پاریزی که معتقدند آثار اعتمادالسلطنه شامل موارد زیر می باشد:

۱- آثار شخصی ۲- آثار رسمی ۳- مقالات تاریخی. ۴- روزنامه‌های چاپ اعتمادالسلطنه.

**واژگان کلیدی:** نقد، عصر ناصری، حیات علمی، اعتمادالسلطنه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 
۱. دانش‌آموخته دوره دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران - masood\_koochooloo2006@yahoo.com
  ۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری- دبیر آموزش و پرورش شهرنکا
  - ۳- لیسانس علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان مازندران . دبیر آموزش و پرورش نکا
  - ۴- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری- دبیر آموزش و پرورش شهرساری

## مقدمه

ایران در آستانه قرن ۱۹م، دچار مشکلات و معضلات متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زمینه نوسازی و نوگرایی بوده و در برون رفت از این چالش‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی برخی از نویسندگان و منورالفکران از قبیل: اعتمادالسلطنه کتب و رساله‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به نگارش و انتشار رسانده بودند. به همین منظور نقد، بررسی و پژوهش یک روند و یا یک موقعیت سیاسی، تاریخی و اجتماعی، واکاوی ابعاد و خصوصیات مختلف شخصیت‌ها و منابع آن موقعیت تاریخی و قرار دادن آن اشخاص و منابع در معرض نقد و تحلیل نخبگان و افراد بایسته یک جامعه ضروری می‌باشد؛ و این شناخت جز با شناسایی افکار و اندیشه‌ی شخصیت‌ها در زمینه‌های گوناگون، پی بردن به انگیزه، هدف و سبک نویسندگان در نگارش تاریخ، بررسی زوایا و خفایای آن موقعیت تاریخی، افق زمانی جامعه، افق معرفتی فرد تاریخ نگار، بررسی مسائل اجتماعی-ادبی آن موقعیت تاریخی امکان پذیر نیست. یکی از نکات مهمی که بایسته در بررسی روند تغییر و دگرگونی‌های مختلف تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران به ویژه عصر ناصری مورد توجه قرار گیرد، بازشناسی، بررسی و نقد منابع و متونی است که در این دوره تاریخی به نگارش درآمده‌اند. این مهم جز با شناخت مورخ و زمان او، آشنایی با دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی و همچنین آگاهی از سبک، شیوه و انگیزه او از نگارش و دیگر مسائلی که در روند تکوین یک تالیف تاریخی موثر بوده، ممکن نیست. این بازشناسی نقادانه درباره کتب و متون تاریخی-فارسی (دوره ناصری) چندان مورد پژوهش و نقادی قرار نگرفته است.

از آن جایی که، وسعت اطلاعات اعتمادالسلطنه در زمینه‌های تاریخ، جغرافیا، رجال سیاسی نشان از کوشش وی برای متوجه ساختن شاه قاجار و دربار ناصری به دنیای پرجوش و خروش خردگرایی قرن نوزدهم که از یک طرف قرن آزادی ملتها و انقلابات سیاسی بود و از طرف دیگر عصر پیشرفت عظیم علم و روزگار اختراعات و اکتشافات گوناگون و هر روزه. اما؛ دربار ناصری و طبقه حاکمه غافلتر و جاهلتر از آن بود که بدین حقایق بیندیشد. با توجه به مباحث فوق آنچه که در این پژوهش به عنوان پرسش و متغیر اصلی پژوهش حاضر مطرح می‌شود عبارت از: مورخان پیرامون فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه چه نظرات و دیدگاه‌هایی داشته‌اند؟ اینکه آثار اعتمادالسلطنه در چه زمینه‌هایی نگارش یافته‌اند؟

## روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی - تاریخی بوده و منابع عمده ما آثار اعتمادالسلطنه به ویژه کتب و اسناد موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، سازمان اسناد ملی ایران و سایر کتابخانه‌ها می‌باشند.

## اهداف تحقیق

در این مقاله محققان در پی نقد و تحلیل سه هدف همده می باشند که عبارتند از:

- ۱- بررسی دیدگاه مورخان و محققان پیرامون فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)
- ۲- بررسی رابطه اعتمادالسلطنه با محققان مجموعه تالیفات و مصنفات دارالطباعه
- ۳- بررسی فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه

## متن اصلی تحقیق (تحلیل یافته ها)

### ۱- بررسی دیدگاه مورخان پیرامون فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)

تاکنون به طور مستقل پژوهشی مربوط به اندیشه های سیاسی- اجتماعی اعتمادالسلطنه انجام نشد. برخی از روزنامه نگاران، محققان و مورخان از قبیل: مرحوم زرین کوب و باستانی پاریزی، ایرج افشار، محمد قزوینی، نوایی، محدث، میرهاشم، یوسف متولی، مشیری، رضوانی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که به شرح زیر آورده می شود:

- "افشار، ایرج" (۱۳۶۰)، از موافقان فعالیت‌های علمی و اجتماعی اعتمادالسلطنه می‌باشد و همواره از فعالیت های علمی اش چه در تالیف کتب و رساله و انتشار روزنامه از وی دفاع نمود و در باب انتساب کتاب "چهل سال تاریخ ایران" به مولف واقعی یعنی خود اعتمادالسلطنه با استناد به متن کتاب بیان می دارد: "... من تردید ندارم که اعتماد السلطنه از بای بسم الله تا تای تمت این کتاب را خوانده و بسیاری از مطالب کتاب را خود نوشته است". (افشار، ج ۱، ۱۳۶۰)

- "قزوینی، محمد" در یادداشت‌هایش از مخالفین فعالیت علمی اعتمادالسلطنه بوده و در «وفیات معاصرین» نوشته است: «محمد حسن خان اعتماد السلطنه ملقب سابقا به صنیع الدوله وزیر انطباعات و صاحب تالیفات کثیره منسوبه به او (که در حقیقت جمیع آنها بدون استثناء تألیف دیگران است و این امری است اجماعی در عصر ما و شاید بعد از ما اخلاف آتیه گمان کنند که از خود اوست) ...» (یادداشت‌های قزوینی، ۱۳۸۸ جلد ۸: ۱۵۱-۱۵۲) علامه قزوینی اعتمادالسلطنه را مبدع "استبداد ادبی" لقب داد. وی اعتقاد دارد اعتمادالسلطنه آثار دیگران را به نام خودش چاپ می - کند. (قزوینی، شماره ۳، آبان ۱۳۲۵ ص ۵۸) به گفته قزوینی کتب مرآت البلدان و تاریخ اشکانیان و صدرالتواریخ از اعتمادالسلطنه نیست.

- "عنایت الله، رضا" (۱۳۹۳)، در مقاله "سیرتاریخی علم جغرافیا" ضمن بیان نظراتش پیرامون سیرتاریخی و تکوین علم جغرافیا در ایران و جهان اسلام درباره اعتمادالسلطنه و نقش او در گسترش علم جغرافیای نوین در ایران بیان نمود: محمدحسن اعتمادالسلطنه (فوت ۱۳۱۳ق/۱۸۹۶م) در بسط و گسترش علم جغرافیا در دوره قاجاریه دارای اهمیت است. تألیف کتابهای بسیاری را به او نسبت داده‌اند.

- "مشیری" (تهران، فروردین‌ماه ۱۳۵۷) در تجلیل مقام علمی و پیرامون روحیات اخلاقی و فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه وی را ستود.

- "رضوانی" (شهریور ۱۳۶۳) در مقدمه کتاب تاریخ منتظم ناصری از موافقان فعالیت‌های اعتمادالسلطنه، در نقد و بررسی و مقدمه کتاب تاریخ منتظم ناصری بیان نمود: مؤلف کتاب تاریخ منتظم ناصری محمد حسن خان صنیع الدوله است که بعدها ملقب به اعتمادالسلطنه شد اما به نظر نمی‌رسد که خود به تنهایی بدین کار خطیر پرداخته باشد.

- "محدث" (۱۳۹۱) در مقدمه تصحیح "رسائل اعتمادالسلطنه" در زحمات و تلاش‌های گسترده‌اش در زمینه تالیف و انتشار روزنامه‌ها بیان نمود: دوره قاجار از لحاظ نگارش کتب تاریخی و جغرافیایی یکی از دوره‌های شکوفای تاریخ ایران است، و بی‌شک خدمات اعتمادالسلطنه در این امر نقش بسزایی داشته‌است؛ چنان که مرآت البلدان او مهمترین کتاب تاریخی جغرافیایی ایران بزرگ در عهد قاجار است. "متولی" (۱۳۸۱) و یحیی آبادی (۱۳۹۰) هم موافق فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه می‌باشند.

- "نوایی، عبدالحسین و میر هاشم محدث" در آراء و نظریاتشان پیرامون محتوای کتاب مرآت البلدان بیان نمودند: اعتمادالسلطنه یکی از پیشگامان علوم جغرافیایی در تاریخ ایران می‌تواند باشد..  
- بهزادی اندوهجردی (۱۳۸۳) در پژوهش "طنزپردازان ایران" اعتمادالسلطنه را یکی از منتقدان اوضاع جامعه ایران دوره‌ی ناصری نامید. خرنامه یکی از مشهورترین آثار اعتمادالسلطنه می‌باشد.

- علیزاده بیرجندی (۱۳۹۱) در تحقیق "حکومت ناصری و نظریه گفتمان‌های نو" به نقش اعتمادالسلطنه در گسترش نوسازی و نوگرایی در زمینه‌هایی از قبیل: فرهنگ و ادبیات و تحول در رمان و نثر فارسی، گفتمان انتقادی، ترویج ادبیات فرانسه در ایران، فرایند مدرن‌سازی پزشکی در ایران و تبیین مفاهیم قانون و دولت و ملت و حقوق شهروندی پرداخت.

- احمدی (۱۳۷۱) در تصحیح "تاریخ اشکانیان" اعتمادالسلطنه را فردی عالم، ادیبی توانمند و وطن-پرست، مورخی برجسته و پیشرو در تاریخ‌نگاری نوین ایران دانست.

- مرحوم باستانی پاریزی (۱۳۸۴) به نقش زن اعتمادالسلطنه (اشرف السلطنه) در حفظ آثار و نوشته‌های وی بعد مرگش به مدت هفت سال اشاره نمود چه بسا اگر تلاش‌های این زن نبود بسیاری از دست نوشته‌ها و کتب وی از بین می‌رفت. همچنین اعتمادالسلطنه با گردآوری عتیقه‌ها و سکه‌های تاریخ ایران به ویژه دوره اشکانیان خدمات شایانی به تاریخ ایرانی نموده است.

- "افضل‌الملک" (۱۳۶۱) همکار و معاصر محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه نظرات ضد و نقیضی پیرامون فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه در تالیف کتاب "افضل التواریخ" که پس از وفات اعتمادالسلطنه تألیف شده است، می‌نویسد: « [اعتمادالسلطنه] در دوره ناصری جلوی علم و هنر و فضل و ترقیات ملتی و دولتی را می‌گرفت. » ( افضل‌الملک، ۱۳۶۱، ص ۲۸۶). افضل‌الملک عقیده دارد تاریخ

صدور قاجاریه را وی نوشته " شرح حال یازده صدراعظم را کاملاً تحقیق کرده‌ام، نگاشته‌ام." یا بیان نمود: " ده سال از وقایع منتظم ناصری را من می‌نگاشتم مابقی را شمس‌العلماء و دیگران می‌نگاشتند." ( افضل الملک، ۱۳۶۱)

## ۲- بررسی رابطه اعتمادالسلطنه با محققان مجموعه تالیفات و مصنفات دارالطباعة

در این بخش از مقاله به نقد و بررسی روابط علمی محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه با مجموعه تالیفات و مصنفات دارالطباعة از قبیل: محمدحسین خان (ذکاءالملک اول)، افضل الملک و سایر نویسندگان و همکاران وی در تالیف و تدوین کتبی چون مرآت البلدان و انتشار روزنامه‌ها اشاره می‌گردد:

### ۱- رابطه اعتمادالسلطنه با محمدحسین خان (ذکاءالملک اول)

یکی از همکاران و فعالان سیاسی و علمی اعتمادالسلطنه به ویژه در تالیف مرآت البلدان، مجموعه سالنامه‌ها، انتشار روزنامه، ترجمه کتب، نشر اندیشه‌های قانون‌خواهی و آزادی و تربیت سیاسی مردم در فرایند گفتمان‌های نوین افکارش با اعتمادالسلطنه همانندی وجود داشت و نام وی در روزنامه خاطرات درج شده، محمدحسین خان فروغی (زاده ربیع‌الاول ۱۲۵۵ هجری قمری در اصفهان - درگذشته ۱۰ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری) پدر محمدعلی فروغی، می‌باشد. لقب فروغی را ناصرالدین‌شاه به او داد. محمدحسین فروغی استاد ادبیات فارسی مدرسه علوم سیاسی تهران و مؤسس روزنامه تربیت، اولین روزنامه غیردولتی ایران، بود. (مجله یغما، شماره ۱۴۲، ۱۳۳۹ ش، ص ۶۵-۶۶) جلال‌الدین همایی درباره شرح زندگی این خاندان مطالبی نوشته و تأکید کرده‌است آقا مهدی مردی متدین بود، اما به عقاید خرافی و شهرت‌های عامیانه نمی‌گروید و امری را بدون تحقیق باور نمی‌داشت. (همان، ص ۶۵-۶۶)

می‌توان به جرات محمدحسین‌خان فروغی را با نوشتن کتاب‌های مختلف فلسفی، تاریخی، ادبی و کتاب‌هایی مانند تاریخ سلاطین ساسانی، تاریخ اسکندر کبیر، غراب زمین و عجایب آسمان، ترجمه سفر دور دنیا در هشتاد روز از ژول ورن و بالاخره کتاب باارزش دستور حکومت، ترجمه نامه علی بن ابی‌طالب به مالک اشتر و ده‌ها جلد کتاب علمی و فلسفی دیگر او را با خود اعتمادالسلطنه مقایسه کرد. محمدحسین فروغی و اعتمادالسلطنه در دو محور در ترویج گفتمان‌های نوین بسیار فعال بودند فروغی در باب نظریه پردازی پیرامون "قانون خواهی و آزادی و حقوق شهروندی در لوای خردگرایی و افکار فلسفی و نفی خرافات و احساسات" تلاش می‌نمود. میرزا جهانگیرخان شیرازی (صوئیرافیل) در زمینه مهارت ارائه مطالب سیاسی محمدحسین فروغی و بیان عقاید آزادمنشانه او چنین می‌گوید: محمدحسین فروغی از پیشگامان روشنفکری با هدف پیاده کردن مشروطیت و قانون اساسی بود. (روزنامه صوئیرافیل، ش، ۱۵ چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۲۵)

## ۲- دیدگاه ضد و نقیض افضل‌الملک، غلامحسین، پیرامون اعتمادالسلطنه

یکی از افراد انجمن علمی اعتمادالسلطنه افضل‌الملک بود. غلامحسین افضل‌الملک مستوفی دیوان اعلی، معروف به (ادیب) مورخ و سفرنامه‌نویس عصر قاجاریه که نسبش به کریم خان زند می‌رسد، در سال ۱۲۷۹ ق دیده به جهان گشود. تالیفات وی عبارتند از: ۱- افضل‌التواریخ ۲- کراسه المعی یا کراسه اعتمادی ۳- سفرنامه خراسان و کرمان ۴- سفرنامه قم ۵- ترجمه اعلام الناس بما وقع للبرامکه من بنی العباس ۶- قرن السعادتین ۷- سفرنامه کلاردشت. مهدی بامداد مؤلف کتاب شرح احوال ایران درباره‌ی وی می‌گوید: من شخصا افضل‌الملک را در اواخر عمر دیده‌ام، مردی بلند قامت، خوش قیافه و اهل فضل بود و کمی متکبر و خودخواه که خود ناشی از مقام علمی‌اش بود. وی در سال ۱۳۴۸ ق وفات نمود (بامداد، ۱۳۴۷، کتاب شرح احوال ایران، ذیل افضل‌الملک).

شناخت فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه به ویژه از دیدگاه افضل‌الملک همکار و معاصرش امری صعب و دشوار است. زیرا زمانی به جهت اینکه موقعیت اجتماعی و کاری‌اش در خطر نیفتد و اسیر دشمنی اعتمادالسلطنه نگردد، مداح و مدیون وی می‌باشد و زمانی هم بعد از مرگ وی، وقتی که فضا را آرام می‌بیند کم‌کم زبان به لعن و نقد وی می‌گشاید و او را مانع رشد و ترقی و صاحب تالیفات خویش می‌خواند.

او در زمان حیات اعتمادالسلطنه تنها جرأت می‌نمود که در برخی از نامه‌های خصوصی خود به دوستان صمیمی آن هم در پرده مطالبی را بر علیه اعتمادالسلطنه بنویسد. به عنوان نمونه به مطلبی که در یک مقاله حالیه نوشته است توجه شود: «یعزیز... اگر در حالت ممات تو تمجید و تحسین از برای مصنفات تو باشد مر ترا چه سودی و اگر تکذیب باشد مر ترا چه زیانی افسوس از آن زحمت‌ها که در جمع‌آوری بعضی مطالب و تصنیف برخی مقاصد کشیدند. در ادامه چنین می‌نویسد: «... در انشاء بعضی سخنان کنایه و تعریضی به دیگران داشته‌ام که انکار و اقرار و اظهار و اصرار خود را در پاره‌از افعال نگاشته‌ام.» (افضل‌الملک، ایران، ۱۳۶۱)

افضل‌الملک در ابتدا به جهت کینه از برخی وزراء و انتقاد از وزارت معارف در دولت مشروطه و جایگاه علم و دانش در این زمان، اعتمادالسلطنه را به واسطه تالیفات متعدد و مدیریت کارآمد می‌ستاید و اعتمادالسلطنه را شخصی کم‌سواد اما در مدیریت چاپ و انتشار روزنامه‌ها توانمندی بسیار والایی داشت و بعد از او دیگر کسی نتوانست به مانندش این همه فعالیت‌های علمی انجام دهد. "با این بیسواد (منظور ندانستن عربی و املا برخی لغات است) طوری اداره علمی و تألیف تاریخ و جغرافی و رجال را اداره کرد که خداوندان علم قبل از او و بعد از او عاجز ماندند." از نظر افضل‌الملک بعد اعتمادالسلطنه کتابی یا رساله‌ای که در فهم و آگاهی مردم چاپ شده باشد در این دولت مشروطه وزارت‌خانه معارف ترتیب دادند و هزار و پانصد نفر اجزا بر سر این کار گماشتند یک ترجمه و یک روزنامه صحیح از آنها به ظهور نرسید. اما افضل‌الملک به یکباره در صفحات بعد هر آنچه در مورد

اعتمادالسلطنه گفته را به فراموشی می سپارد و برخی از دستاورد های علمی او و آثارش را محصول تلاش دیگران می شمارد؛ و در رابطه با چگونگی جمع آوری و شیوهی کار او به نکوهش پرداخته و بیان نمود وی از زرنگی که داشت قدری از کتاب را به یکی می داد که ترجمه یا تألیف کند و قدری را به دیگری واگذار می نمود و ترتیب آن را به شخص ثالثی واگذار می نمود که هیچکدام نتوانند بالاستقلال بگویند که ما مترجم یا مولف فلان کتاب یا سفرنامه بوده ایم و از این طرق اعتمادالسلطنه تالیفات متعددی را به خود انتشار داده بود.

افضل الملک با اینکه کتاب مرآت البلدان را در مجموعه یادداشت هایش جز آثار اعتمادالسلطنه ذکر نموده، در سفرنامه مازندران کار تألیف کتاب مرآت البلدان را توسط گروهی از نویسندگان تألیف نموده است. غلامحسین خان در مقدمه کراسه المعی در چگونگی گردآوری این مجموعه مطلبی دارد که جای بسی تأمل است. در این مقدمه وی بعد از تمجید از اعتمادالسلطنه و اینکه او این وظیفه خطیر را به دوش او نهاده به این مطلب اشاره می کند که وی به پاس این لطف قصد نموده تا این مجموعه را به نام اعتمادالسلطنه کراسه اعتمادی نام گذارد اما اعتمادالسلطنه قبول نکرد. افضل الملک در شروع کراسی المعی می نویسد: "در عهد سلطنت اعلی حضرت قدر قدرت ناصرالدین [شاه] قاجار که واقعاً نمی توان ایشان را خاتم السلاطین گفت و حضرت مستطاب اشرف امجد اکرم آقا میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم ایران که این پادشاه بزرگ بایشان صدارت داده اند، خاتم الوزراء خواند؛ جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای محمدحسن خان اعتماد السلطنه وزیر دارالتألیف و دارالترجمه همایونی و دارالمطبوعات و مترجم مخصوص حضور همایونی که همه روزه در سر نهار در حضور باهرالنور سلطانی ساعتی اذن جلوس داشته قوانین اروپا و مطالب اساسی و فن دیپلماسی و طرز ترقیات دول را بعرض می رسانیدند و از وزراء اول نمره اول بودند. لهذا این بنده میرزا غلامحسین خان مستوفی اول دیوان اعلی افضل الملک که مترجم دولتی بودم و روزنامه های غریبه را هر هفته برای حضور سلطانی ترجمه کرده در کتابچه نوشته با این وزیر بزرگ که به بنده ریاست داشتند. در این سنه هزار و سیصد و دوازده هجری (۱۳۱۲هـ) این اجزاء متشکته را به نظر مبارکه این وزیر بزرگ رسانیده عرض کردم اسم این مجموعه را به مناسبت لقب حضرت اجل که اعتماد السلطنه است، می خواهم کراسه اعتمادی بگذارم."<sup>۱</sup>

مطلب دیگر که غلامحسین خان در رد اعتمادالسلطنه نوشته مربوط به شیوه کاری وی و ممانعت از انتشار آثار دیگران است و در این باره می نویسد: «مرحوم محمد حسن خان اعتمادالسلطنه وزیر تألیفات که با مولفین و مصنفین، و زباندانان ایران حسادت و دشمنی داشت... می گفت هر کس تألیفی یا زبان خارجه دارند، من طبعاً به اینچنین شخصی دشمن هستم.» (افضل الملک، ۱۳۶)

<sup>۱</sup> - افضل الملک، "کراسه المعی" کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شماره شناسه: ۷۱۷۵۶۷

برای بررسی دیدگاه افضل‌الملک به عنوان یک مخالف و نتیجه‌گیری در باره‌ی گفته‌هایش به نظر می‌رسد که حوزه و دامنه‌ی علمی که اعتمادالسلطنه در آن تحقیق و تتبع می‌نموده و تألیفاتی که به نام او منتشر می‌شده و شیوه‌ی کار و مراحل تدوین یک اثر را با توجه به میزان اعمال نفوذ محمد حسن خان در منصب وزارت دارالتطباعه و دارالتألیف با اتکا به منابع تا حد امکان روشن نماییم؛ که این امر خود نیاز به تحقیقی جامع دارد.

افضل‌الملک در کتاب "کراسه المعی"، درمورد فعالیت‌های علمی و توانمندی اعتمادالسلطنه برخلاف نظرش در افضل‌التواریخ می‌نویسد: "بنده از روغن افاضات این وزیر بزرگ است که توانستم این چراغ را روشن کنم؛ من و دیگران از عمله و اجزاء اینکار بودیم که خشت و گل در پای کار آوردیم، معمار باغ بنا وجود حضرت اعتمادی "و من به ثقتی و اعتمادی" می‌باشد و طرز جمع‌آوری این کتاب را این طور می‌کردم هر یک از فضلاء و دانشمندان که در دارالتألیف گاهی می‌آمدند یا در حضور این وزیر بزرگ حاضر می‌شدند مطالبی که می‌گفتند خواهش می‌کردم که به خط خودشان در یکی از صفحات این اوراق بنگارند یا به خط دیگری آن را بدهند که ضمیمه این مجموعه بنمایم." (افضل‌الملک، کراسه المعی "همان منبع)

افضل‌الملک در کتاب کراسه با بسامدهایی از قبیل: صدر اعظم ایران، خاتم الوزراء، جناب مستطاب اجلّ امجد، وزیر دارالتألیف، دارالترجمه همایونی و دارالمطبوعات، مترجم مخصوص حضور همایونی، قرائت قوانین اروپ و مطالب اساسی و فنّ دیپلماسی و طرز ترقیّات دول برای قبله عالم، از وزراء اول نمره اول بودند، به ستایش و تمجید از وی پرداخت. تاجایی که نام کتاب را کراسه اعتمادی نام نهاده که با مخالفت اعتمادالسلطنه رو به رو شده بود و اعتمادالسلطنه در پاسخ به پیشنهاد افضل‌الملک فرمودند:

"تألیف بسیار و تصنیف بی‌شمار از من در ایران چاپ و منتشر شده است و من چون مجال ندارم که جمیع مطالب این مجموعه را تصفّح و تتبّع کنم لهذا خوب و بد و تعریف و تکذیب آن را بعده شما می‌اندازم که محلّ هدف ذکر جمیل و قبیح شوید، تخلّص شما در شعر المعی است خوب است این مجموعه را کراسه المعی بگذارید که لمعان آن همه جا بتابد." (افضل‌الملک، کراسه المعی "همان منبع)

۳- همکاری محمد مهدی عبد‌الرّب آبادی قزوینی با اعتمادالسلطنه در تألیف کتب "نامه دانشوران ناصری، ج ۲" و "المآثر والآثار" و "مطلع الشمس":

عبد‌الرّب آبادی قزوینی از دانشوران شیعه در قرن ۱۳ و ۱۴ قمری است که اصلی‌ترین نقش را در خلق آثار کم‌ظنیری چون "نامه دانشوران ناصری" و "المآثر والآثار" داشته است. این دانشمند و مورخ شهیر ملقب به "شمس‌العلماء" می‌باشد. (آقابزرگ تهرانی، ذریعه ج ۱۹ ص ۷ و ۸) و همچنین مطلع‌الشمس که به اعتمادالسلطنه منسوبند نقش اساسی داشته و نیز کتابی هم درباره



امامان فقهی چهارگانه اهل سنت نوشته است. آثار دیگری از وی نیز در دست است. قزوینی در وفیات معاصرین در شرح زندگانی شمس العلماء سال فوتش را ۱۳۳۱ق درج نمود. ( قزوینی، نشریه‌ی یادگار، سال سوم، شماره‌ی ۳، آبان ۱۳۲۵)

#### ۴- اعتمادالسلطنه و میرزا ابوالفضل ساوجی

میرزا ابوالفضل ساوجی (زاده ۱۲۴۷ هجری قمری - درگذشته ۱۳۱۲ هجری قمری) طبیب، خوشنویس، فاضل و محقق معروف زمان ناصرالدین شاه قاجار بود. وی از اطبای عهد قاجاریه و از جمله چند نفر دانشمندی است، که در تألیف نامه دانشوران و سایر کتابهای منسوب به محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، دست داشته‌است. (بامداد، ۱۳۴۷ص ۵۵ و ص ۹۶)

#### ۳- بررسی فعالیت های علمی اعتمادالسلطنه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند دوم حاج علی خان، در سال ۱۲۵۹ه.ق - در روزنامه خاطرات: ۱۲۵۶ه.ق - متولد شد در سال ۱۲۸۵ برای ادامه‌ی تحصیل به فرنگ رفت و در سال ۱۲۸۴ه.ق به ایران بازگشت و در سه سفر ناصرالدین شاه همراه وی بود و در سال ۱۳۵۴ه.ق لقب اعتمادالسلطنه گرفته است. در پایان در سال ۱۳۱۳ه.ق از دنیا رخت بریست. اعتمادالسلطنه شخص توانا و پرکاری بود. او به زبان فرانسه تسلط داشت و با عربی هم آشنایی پیدا کرده بود و در اواخر عمر به تکمیل آن همت گماشت (بامداد، ۳/۱۳۴۷-۳۳۵-۳۳۶). از نظر رفتار اجتماعی، فردی مؤدب بود، هرچند در بیان عقیده و انتقاد از دیگران بی‌پروایی نشان می‌داد؛ چنانکه گاه در خاطرات از اینگونه اشاره‌ها دارد و مخبرالسلطنه هدایت هم که او را دیده، از کج‌بینی و بدزبانی او سخن به میان آورده است. (آرین‌پور، ۱۳۵۵، ۱/۲۶۵) با وجود گفتار ستایش‌آمیز و یک جانبه خان ملک ساسانی (شم ۸۱؛ ۱۳۳۸)، کسان دیگر، اعتمادالسلطنه را شخصی ترسو، متملق و چاپلوس خوانده‌اند. از جمله میرزا رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاه وی را آدم مزوری خوانده که به دروغ خود را جزو هواخواهان سیدجمال‌الدین اسدآبادی معرفی کرده است. (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۵۷ش؛ و براون، ادوارد، ۱۳۳۸ش؛ ص ۹۰) اعتمادالسلطنه خود نیز گاه به ضعفهای اخلاقی خویش اشاره کرده است؛ از جمله در جایی از خاطراتش اشاره می‌کند که برای افزایش حقوق، تملق شاه را گفته است. (نک: افشار، همان، ۱۱)

برای ارزیابی و اظهار نظر قطعی درباره‌ی اعتمادالسلطنه و کارهایش باید او را با رجال دیگر آن عصر سنجید و داوری کرد. او گاه در ترجمه‌ی برخی رمانها و داستانها و به خصوص در روزنامه‌ی خاطرات به انتقاد ملایم از اوضاع سیاسی آن عصر می‌پرداخت. از سوی دیگر منافعش ایجاب نمی‌کرد که یکباره دست از مواج و امتیازاتش برداشته، به خیل روشنفکران معارض حکومت در آید. گفته‌اند که وی اولین کسی بود که ایجاد سانسور کتاب و مطبوعات را در ایران پیشنهاد کرد و در نامه‌ای به ناصرالدین شاه از ضرورت ایجاد سانسور و اینکه چنین دستگاهی اکنون در میان همه‌ی ملل متمدن

مرسوم است سخن به میان آورد. ظاهراً ناصرالدین شاه این پیشنهاد را پذیرفت و دستور تدوین آیین‌نامهٔ مربوط به آن را صادر نمود. (وحید، تهران، ۱۳۵۳ش، س ۱۴، شم ۲۰۱) خود او از جملهٔ اولین کسانی بود که پیش از تدوین آیین‌نامهٔ سانسور گرفتار آن شدند. از جمله به دستور شاه نسخه‌های کتاب سرگذشت خر یا منطق الحمار را که وی ترجمه کرده بود، جمع‌آوری نمودند. (کتیرایی، ۱۳۴۸، ۲۹۶-۲۹۸) حال با توجه به نظرات و دیدگاه‌های مورخان و محققان نسبت به فعالیت‌های علمی اعتمادالسلطنه در این بخش از تحقیق به معرفی کوتاه هریک از آثار وی با توجه به محتوایشان، به نقش واقعی اعتمادالسلطنه در تالیفاتش اشاره می‌شود.

### ۱- آثار شخصی ودست نوشته اعتمادالسلطنه

آثار شخصی اعتمادالسلطنه شامل روزنامه خاطرات، رساله خلسه و سفرنامه صنیع الدوله می‌باشد.

۲- آثار رسمی اعتمادالسلطنه: کتب رسمی و معتبر اعتمادالسلطنه عبارتند از: ۱- تاریخ ایران ۲- کتاب مرآت البلدان اعتمادالسلطنه ۳- تاریخ منتظم ناصری ۴- مطلع الشمس ۵- حجة السعادة فی حجة الشهادة ۶- المآثر و الاثار ۷- التدوین فی احوال جبال شروین (تاریخ سوادکوه) ۸- صدرالتواریخ ۹- درالتيجان فی تاریخ بنی اشکان ۱۰- تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید در ایران ۱۱- سال نامه های مختلف.

### ۳- مقالات تاریخی چاپ شده اعتمادالسلطنه

مقالات تاریخی چاپ شده اعتمادالسلطنه عبارتند از:

۱- قلعه نور ۲- عریضه اعتمادالسلطنه به ناصرالدین شاه درباره سانسور ۳- پذیرایی از کور دیپلماتیک در عمارت سلطنتی ایران ۴- خانقاه و مقبره صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین حموی جویی در تل لویزان ۵- جغرافیای قدیم و جدید طالقان و تواریخ متعلقه به آن و شرح رجال و منسوبین به این ناحیه ۶- احوال بلوک مال امیر/المیر ۷- تاریخ انتزاع ممالک محروسه ایران از تخت سلطنت عرب ۸- مستوفی الممالک میرزا یوسف صدر اعظم ۹- تواریخ متعلقه به مقبره طغرل ۱۰- تاریخ و چاپ روزنامه در ایران ۱۱- کلید استطاعت در ایران ۱۲- فرمان محمد حسن خان اعتمادالسلطنه به عمل انتظام دارالطباعة ۱۳- مقاله ای در مذمت میرزاملکم خان ۱۴- مقاله در تمجید امین السلطان ۱۵- آرتیکل درباره دخترک ایرک بیگ انگلیسی ۱۶- قیراط الماس فی ترجمه سلماس ۱۷- اوزان و مقادیر ۱۸- غصن مثمر در ترجمه ولتر (هدیه البریه فی التعرفه الولتریه) ۱۹- جغرافی و تاریخ لار ۲۰- تحقیق در مذهب علی الهی ۲۱- سفرنامه ناصرالدین شاه به نمارستاق مازندران ۲۲- لایحه تشکیل دارالتنزیل.

## ۴- ترجمه آثار اروپاییان

### شیوه ترجمه اعتمادالسلطنه

اعتمادالسلطنه - همانند گروهی از تاریخ نویسان معاصر- کار تاریخ نویسی را با ترجمه آثار تاریخی شروع نمود و در این رابطه می توانیم او را نخستین آغازکننده این نوع تاریخ نویسی و سردسته این قبیل تاریخ نویسان در ایران بدانیم. از آن جا که برای بررسی ترجمه های وی یک نوع آشنایی کلی با شیوه ترجمه او ضروری به نظر می رسد لازم است قبل از معرفی آثار ترجمه ای او، نگاهی به شیوه ترجمه او خواهیم پرداخت.

در مورد مترجم بودن اعتمادالسلطنه می توان گفت که او آموختن زبان فرانسوی را ابتدا در مدرسه دارالفنون شروع کرد و سپس با عزیمت به فرانسه در شهر پاریس آن را تکمیل کرد و چون برگشت به منصب "مترجم مخصوص حضور همایون" نایل شد. دکتر فوریه طیب ناصرالدین شاه از مهارت اعتمادالسلطنه بر زبان فرانسه چنین نوشت: "...میرزا نظام و اعتمادالسلطنه هر دو زبان فرانسه را به خوبی تکلم می کنند و به همین علت اولی مترجم امین السلطان و دومی مترجم شاه است و این انتخاب کاملا بجا بوده است." (فوریه، ۱۳۶۲، ص ۹۵)

بنجامین ساموئل ویلر- نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران- نیز در مورد تسلط اعتمادالسلطنه بر زبان فرانسه می نویسد: "...صنیع الدوله که مدت مدیدی در فرنگ بوده فرانسه را با منتهای سلامت و جلافت حرف می زند و بیشتر از اغلب مشرق زمینی ها از اوضاع اطلاع و بصیرت دارد." (ساموئل ویلر، ۱۳۶۳، ص ۲۷۴)

اینک به معرفی ترجمه های برجسته ای او پرداخته می شود:

۱- آثار اقتباسی و ترجمه ای: آثار اقتباسی و ترجمه ای محمدحسن خان اعتمادالسلطنه عبارتند از: ۱- تاریخ انکشاف ینگنی دنیا ۲- خرنامه (منطق الحمار) ۳- خیرات حسان ۴- تاریخ بابل و نینوا

۲- آثار ترجمه ای: در این آثار که تعداد آنها هم کم نیست اعتمادالسلطنه به صراحت به ترجمه بودن متن اشاره کرده است اما در برخی از موارد به نام مولف اصلی اشاره نکرده و در مواردی هم اندک تغییراتی را به لحاظ اسامی افراد در متون ایجاد نموده است. این آثار عبارتند از: ۱- سیاحت کاپیتان اطراس به قطب شمال ۲- سفرنامه جنوب ایران ۳- داستان روبنسون سوئدی ۴- سرگذشت خانم انگلیسی در هندوستان ۵- تاریخ هروودت ۶- تاریخ فرانسه ۷- شرح احوال سلطان عبدالحمید و اوضاع مملکت عثمانی ۸- رساله رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و افغانستان ۹- ترجمه سفرنامه از طهران به استرآباد لیوتنان کلنل انگلیسی ۱۰- تاریخ سودان

### ۵- آثار چاپ شده اعتمادالسلطنه با مضامین غیرتاریخی

۱- تالیفات غیرتاریخی: این مجموعه آثار عبارتند از: ۱- قانون تسهیل ساختن طرق و شوارع ۲- کاداستره ۳- الفاظ متشابه ۴- گرامر ۵- دیالوگ فرانسه

۲- ترجمه‌های غیرتاریخی: ترجمه‌های غیرتاریخی اعتمادالسلطنه عبارتند از: ۱- حکایت طبیب اجباری ۲- رسوایی لندن یا کشف رذایل مردم انگلیس

۶- آثار مفقوده اعتمادالسلطنه: اعتمادالسلطنه در برخی از آثارش همانند روزنامه خاطرات و مرآت البلدان و سایر آثار به نام برخی از نوشته‌هایش اشاره می‌کند که توسط بسیاری از محققان و محقق این رساله اثری از این آثار یافته نشد. به همین علت به ذکر این آثار براساس نوشتار اعتمادالسلطنه به نامشان اشاره می‌گردد:

۱- کتابچه سفر خراسان (ص ۳۴۰ روزنامه خاطرات) ۱- ۲- ترجمه حاجی بابا (صفحات ۸۶۸ و ۸۷۴ و ۸۷۷ روزنامه خاطرات) ۳- مختصر جغرافی عمومی عالم (در صفحه ۴ روزنامه شرف نمره ۲۲ ذیقعدہ ۱۳۰۱ ق) ۴- شجره قاجار (در صفحه ۴۶۰ روزنامه خاطرات) ۵- شرح حال فضولی شاعر ترک (ص ۵۷۸ روزنامه خاطرات) ۶- قصه زمرد سلطان (ص ۴۲۹ روزنامه خاطرات) ۷- مادام دوپاری (ص ۷۹۴ روزنامه خاطرات) ۸- شرح حال شیخ شهاب الدین (ص ۶۰۴ روزنامه خاطرات) ۹- کتابچه جرون (ص ۶۲۱ روزنامه خاطرات) ۱۰- کتاب جنگ (ص ۷۱۱ روزنامه خاطرات) ۱۱- رساله در باب درختان (ص ۱۰۹۸ روزنامه خاطرات) ۱۲- لغت عربی به فارسی (نمره ۸۱ روزنامه شرف) ۱۳- شرح حال کریستف کلمب (ص ۲۶۷ کتاب از صبا تا نیما جلد اول تألیف آرین پور) ۱۴- تاریخ امپراطور نیکلای دوم (ص ۱۲۰۳ روزنامه خاطرات) ۱۵- کتابچه راه آهن انگلیس (ذکر نام این کتاب توسط محمدمشیری در مقدمه کتاب صدرالتواریخ) ۱۶- کتابچه کشتی (ص ۴۶۰ روزنامه خاطرات) ۱۷- کتابچه نظم دارالشوری (ص ۴۸۹ روزنامه خاطرات) ۱۸- رساله قواعد نظام (ذکر نام این کتاب توسط محمدمشیری در پایان کتاب صدرالتواریخ) ۱۹- ژغرافی (ذکر آن در روزنامه خاطرات) ۲۰- کتابچه مجلس تحقیق (ص ۱۶۵ روزنامه خاطرات) ۲۱- کتابچه درباره تکالیف سفرای خارجه و احترامات آنها (ص ۳۴۰ روزنامه خاطرات) ۲۲- رساله در ترتیب قشون (شماره ۸۱ روزنامه شرف) ۲۳- کتابچه دارالتنزیل (ص ۵۵۹ روزنامه خاطرات) ۲۴- رساله در ترتیب ادارات دولتی (شماره ۸۱ روزنامه شرف) ۲۵- لغت پلتیکی از فرانسه (شماره ۲۲ روزنامه شرف)

۷- آثاری که به اشتباه به اعتمادالسلطنه نسبت داده اند:

۱- راه نجات: مؤلف این کتاب صنیع الدوله می باشد<sup>۲</sup> اما در کتاب فهرست کتاب های چاپی فارسی آن را در زمره تالیفات اعتمادالسلطنه ذکر کرده اند. (یارشاطر، پیشین، ج دوم، ص ۱۶۳۱)  
 ۲- قوانین دولت فرانسه: این کتاب توسط رضا ریشارپاریسی ترجمه و تنظیم شد. (دانش پژوه، ۱۳۶۴، جلد ۱ ص ۱۶)

۱. اعتمادالسلطنه، "روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر ۱۳۴۵ ش.

۲. مرتضی قلی خان صنیع الدوله، "راه نجات"، به کوشش هما رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

۳- فلک السعاده: مولف آن علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه پسر پنجاه و چهارم فتحعلی شاه که اولین رئیس دارالفنون و مبتکر نگارش نامه دانشوران بود. موضوع این کتاب ریاضی است. اما در برگه-دانه‌های مولف کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد آن را در ردیف آثار منسوب به اعتمادالسلطنه به حساب آورده اند.

۴- تاریخ سلاطین ساسانی: این کتاب تالیف راولینسون مورخ و ایران شناس معروف انگلیسی بوده و آن را میرزا محمدحسین فروغی همکار اعتمادالسلطنه ترجمه و تدوین نمود. ( میرزا محمدحسین فروغی (ذکاء الملک)، ۱۳۱۴ق)

۵- فلاح و باغبانی: این کتاب تالیف صنیع السلطنه ابراهیم بن میرزا احمد می باشد. اما در کتاب فهرست کتاب های چاپی فارسی آن را در زمره تالیفات اعتمادالسلطنه ذکر کرده اند. (پارشاطر، پیشین، ج دوم، ص ۱۶۳۱)

#### ۸- آثار چاپ نشده اعتمادالسلطنه

آثار چاپ نشده اعتمادالسلطنه عبارتند از: ۱- آیینه سکندری ۲۲- تاریخ آستانه عراق ۳- مسوده یادداشت‌هایی درباره خطوط مختلف ۴- کاشف الکرّب فی تاریخ الغرب ۵- تاریخ سلاطین عثمانی ۶- ملا جعفری خروس باز ۷- تاریخچه الماسهای بزرگ ۸- ترجمه تور دومند ۹- یزمتی ۱۰- تاریخ قیصره ۱۱- سفرنامه مادام ژان دیولافوا ۱۲- تاریخ لویی چهاردهم ۱۳- تاریخ بلده نور ۱۴- کتابچه وضع قدیمه و حالیه شهر میبد ۱۵- تحریر جغرافیای خمسه ۱۶- ابهر

۹- آثاری که به اتمام اعتمادالسلطنه چاپ شده‌اند: ۱- روزنامه سفر فرنگستان ۲- سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران ۳- سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان ۴- منتخبات اشعار سعدی و حافظ ۵- منتخب مثنوی رومی ۶- جلد دوم نامه دانشوران ۷- قرآن با ترجمه

۹- روزنامه های چاپ اعتمادالسلطنه: این روزنامه ها عبارتند از: ۱- روزنامه ایران ۲- روزنامه مرآت السفرو مشکوه الحضر ۳- اردوی همایون ۴- روزنامه علمی ۵- روزنامه اطلاع ۶- شرف ۷- اکودوپرس ۲

#### نتیجه گیری

در ارتباط با شخصیت علمی و تالیفات اعتمادالسلطنه نظرات متفاوتی موجود می‌باشد، گروهی بر آنند که اکثر آثار وی به جز خلسه و روزنامه خاطرات، ثمره تلاش دیگران است و وی با نفوذ قدرت اجرایی که در وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی داشته، این آثار را به نام خود انتشار می‌داده است. عده‌ای هم اکثریت آثار او را بی‌تردید از تالیفات خودش می‌شمارند و حتی بر این عقیده هستند که وی غیر از آثار منتشر شده تالیفات دیگری نیز داشته که تا به امروز یا منتشر نشده و یا مجهول

۱. صنیع السلطنه، ابراهیم بن میرزا احمد، فلاح و باغبانی، طهران، ۱۳۲۸ق.

۲. نسخه خطی شماره ۴۰۷۶ کتابخانه آستان قدس رضوی.

مانده است. به احتمال زیاد دو نظریه فوق از قطعیت و جزمیت تاریخی برخوردار نیستند و چه بسا افراط و تفریطی در این بین شده است در این مورد به نظرات سه گروه اشاره می‌گردد:

**الف: دسته اول:** صاحبان نظریه اول افرادی چون افضل‌الملک، احتشام السلطنه، علامه محمد قزوینی، ادوارد براون، کسروی و محیط طباطبایی هستند. این عده همانطور که بیان شد با آرای کم و بیش به هم نزدیک، بر این عقیده‌اند که برخی از آثار منتسب به اعتماد السلطنه از وی نیست و او را شخص کم‌سواد دانسته که قادر به تألیف اینهمه آثار علمی نبوده است و در ادعای خود پا را فراتر نهاده و او را متهم به سوء استفاده از قدرت اجرایی خود یعنی (سمت وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی) نموده‌اند. از طرف دیگر گویند که وی به دلیل ارتباط نزدیک با شاه و واسطگی تقدیم کتب تألیف و ترجمه شده، آثاری که دیگران تهیه و تألیف می‌کردند را به نام خود نشر می‌داد.

**ب: دسته دوم:** این دسته که شامل افرادی چون سلطان احمد میرزا عضدالدوله از معاصرین اعتماد السلطنه و خان ملک ساسانی و عبدالحسین نوایی می‌شود. بر این عقیده‌اند که اکثر آثار منسوب به اعتماد السلطنه از خود اوست و بعلاوه آثار دیگری نیز تألیف نموده که مجهول مانده و آثار دیگری را نیز اقتراح نموده است.

**ج- دسته سوم:** گروهی نیز در این میان نظر دیگری ابراز کرده و آثار اعتماد السلطنه را به دو بخش دسته بندی نمودند که عبارتند از: آثار شخصی و آثار گروهی. از این گروه نویسندگان و اشخاصی- مانند: کتیرایی، محمدعلی سپانلو، ایرج افشار و محمدمشیری، زرین کوب و باستانی پاریزی را می‌توان نام برد. این گروه معتقدند اعتماد السلطنه یکی از نویسندگان و مورخان پیشرو نوگرا در تاریخنگاری و علوم جغرافی در ایران می‌باشد.

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت: اهداف و انگیزه‌های اعتماد السلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ ق) از تألیف آثار شخصی و رسمی و ترجمه‌های متعدد و چاپ روزنامه‌ها آگاهی، تنبه و بیداری دربار ناصری و مبارزه با جهل و نادانی بر مبنای گفتمان‌های نوسازی بوده است که از این حیث آثار اعتماد السلطنه شامل موارد زیر می‌باشد: ۱- آثار شخصی اعتماد السلطنه و دست نوشته‌های اعتماد السلطنه (روزنامه خاطرات و رساله خلسه) ۲- آثار رسمی اعتماد السلطنه (تاریخ چهل ساله، تاریخ منتظم ناصری و مرآت البلدان و...) ۳- مقالات تاریخی چاپ شده اعتماد السلطنه (-قلعه نور -کلید استطاعت در ایران و...) ۴- ترجمه آثار اروپاییان ۵- آثار چاپ شده اعتماد السلطنه با مضامین غیرتاریخی ۶- روزنامه-های چاپ اعتماد السلطنه ۷- آثار مفقوده اعتماد السلطنه ۸- آثاری که به اشتباه به اعتماد السلطنه نسبت داده اند. ۹- آثار چاپ نشده اعتماد السلطنه

اعتماد السلطنه در حکومت ناصرالدین شاه اندیشمندی فعال در زمینه ترجمه و طرح مولفه‌های نوسازی است. در میان مناصب متعدد وی، منصب «مترجمی مخصوص حضور همایون» و «ریاست دارالترجمه همایونی»، فرصت بیشتری را برای ترجمه کتابهای اروپایی و خواندن آنها برای

ناصرالدین شاه فراهم می‌کرد. تلاش زیرکانه اعتمادالسلطنه محرم اسرار و مشاور فرهنگی ناصرالدین شاه برای تعلیم و گستردن افق سیاسی شاه، تنبه و بیداری و ترغیب وی به اعطای آزادی و حقوق شهروندی، با آشنا ساختن وی نسبت به تاریخ ادبیات اروپا، به‌روشنی به‌چشم می‌خورد. اعتمادالسلطنه که خود مبلغ بزرگ فرهنگ فرانسه بود، در طی سالهایی که ملازمت شاه را در سفر و حضر برعهده داشت، آثار تاریخی منتقدانه زیادی به مطالعات شاه افزود؛ از جمله دست‌کم دو اثر از ولتر و ترجمه‌ای از تاریخ امپراتوری عثمانی نوشته هامر پورگشتال، و درضمن، ترجمه کتبی مانند شاهدخت بابل نوشته ولتر و دون کیشوت اثر سروانتس (از روی ترجمه روسی آن) که به سفارش اعتمادالسلطنه صورت گرفت، نشانگر توجه مترجم‌باشی سلطنتی به محتوای انتقادی این آثار است.



منابع

- ≠ آدمیت، فریدون (۱۳۵۱) اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران، خوارزمی.
- ≠ آقابزرگ تهرانی، (۱۹۷۵م)، الذریعه، انتشارات دارالاضواء بیروت، ج ۱۹.
- ≠ اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷)، خلسه مشهور به خوابنامه، به کوشش محمود کتیرایی، تهران: انتشارات توکا.
- ≠ ..... (بی تا)، آینه سکندری، نسخه خطی ۴۰۶۷، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ≠ ..... (بی تا)، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
- ≠ ..... (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات - با مقدمه ایرج افشار-، چاپ هفتم، تهران: نشر امیرکبیر.
- ≠ ..... (۱۳۴۵)، "روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر
- ≠ ..... (۱۳۶۳)، چهل سال تاریخ ایران، دو جلدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر.
- ≠ ..... (۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، سه جلدی، تهران: نشر دنیای کتاب.
- ≠ ..... (۱۳۴۹)، صدر التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: انتشارات وحید.
- ≠ ..... (۱۳۶۳)، مرآت البلدان، به کوشش محمدعلی سپانلو و پرتو نوری علاء، سه جلدی، تهران: نشر اسفار.
- ≠ ..... (۱۳۷۱)، درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، تصحیح، نعمت احمدی، تهران: نشر اطلس.
- ≠ ..... (۱۳۵۵)، «قلعه نور» به کوشش منوچهر ستوده، مجله یغما، سال نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۶۷-۱۱۶.
- ≠ ..... (۱۳۱۵ق)، جمع آوری اطلاعات جغرافیایی ایران توسط محمدحسن صنیع الدوله و ضبط آن در وزارت مالیه و تقاضای ارسال جزوه مذکور به فرهنگستان. طبق شماره سند ۴۵۵۹۴/۲۴۰ سازمان اسناد ملی ایران، تاریخ ایجاد ۱۳۱۵ق.
- ≠ ..... (۱۲۹۸ق)، بریده ای از رساله جغرافی و تاریخ لار (نزدیک تهران) [نسخه خطی] / محمدحسن اعتمادالسلطنه تاریخ نشر: ۱۲۹۸ق - سازمان اسناد ملی ایران شماره کتاب شناسی ملی: ۶۳۹ف.
- ≠ ..... (۱۳۹۱)، رسائل (شامل ۲۴ رساله)، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: نشر اطلاعات.



- ≠ افشار، ایرج، (۱۳۴۸) یادگاری های یزد، تهران: نشر انجمن آثار ملی .
- ≠ افشار، ایرج (۱۳۶۰)، مقدمه چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)، ج ۱، به کوشش:، تهران: اساطیر.
- ≠ افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ≠ افضل الملک، غلامحسین، "کراسه المعی" کتابخانه دیجیتالی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی شماره شناسه: ۷۱۷۵۶۷
- ≠ الهی، صدرالدین؛ (۱۳۷۵)، "مقاله یک قرن در آئینه دو کتاب"، مجله ایران نامه، پاییز ۱۳۷۵ - شماره ۵۶
- ≠ باستانی پاریزی، (۱۳۸۴)، محمدابراهیم، ازدهای هفت سر، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴
- ≠ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری (جلد ۱ و ۶) چاپ اول. تهران: زوار، ۱۳۴۷ ص ۵۵ و ص ۹۶.
- ≠ بهزادی اندوهجردی، حسین، (۱۳۸۳)، طنزپردازان ایران (از آغاز تا پایان دوره قاجاریه، تهران: نشر داستان.
- ≠ دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران ۱۳۶۴، جلد ۱۸ ص ۱۶.
- ≠ روحانی، سید کاظم، (۱۳۶۵) نگاهی به مرآت البلدان، کیهان اندیشه، مرداد و شهریور ۱۳۶۵، ش ۷ روزنامه ایران (مدیر مسئول اعتمادالسلطنه)، مورخه ۲۰ ذیقعد ۱۲۸۹ ق.
- ≠ صور اسرافیل، سال اول، شماره ۲۹، ۱۵، رمضان ۱۳۲۵ ق .
- ≠ صنیع السلطنه، ابراهیم بن میرزا احمد، فلاح و باغبانی، طهران، ۱۳۲۸ ق.
- ≠ صنیع الدوله، محمدحسن خان، تاریخ ایران، دارالخلافة طهران، دارالطباعه، ۱۲۹۲ ق، ص ۳۰.
- ≠ ساموئل ویلر، بنجامین، ایران و ایرانیان، به اهتمام رحیم رضا زاده ملک (تهران، نشر گلبانگ، ۱۳۶۳) ص ۲۷۴.
- ≠ علیزاده بیرجندی، زهرا، (۱۳۹۱)، حکومت ناصری و گفتمان های نو، تهران: نشرهیرمند.
- ≠ عنایت الله رضا (۱۳۹۳)، مقاله "جغرافیا" مجله الکترونیکی کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی ایران.
- ≠ قزوینی، محمد (۱۳۲۵)، "وفیات معاصرین، شمس العلماء عبدالرب آبادی" یادگار، سال پنجم، شماره سوم، آبان ۱۳۲۷.
- ≠ قزوینی، محمد، (۱۳۲۵)، نشریه ی یادگار، سال سوم، شماره ی ۳، آبان ۱۳۲۵.
- ≠ قزوینی، محمد (۱۳۸۸)، یادداشتهای قزوینی جلد ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- ≠ کسروی، احمد، (۱۳۵۶)، کاروند، به کوشش یحیی ذکاء، تهران.
- ≠ متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۱)، وزیر تاریخ نگار، تهران: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ≠ مجله یغما، شماره ۱۴۲، ۱۳۳۹ ه. ش.
- ≠ مشار، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۰ ش، مؤلفین...، ۵۹۵/۲.
- ≠ مشیری، محمد، مقدمه بر صدر التواریخ اعتمادالسلطنه، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ ص ۵؛
- ≠ مشکور، محمدجواد، پارتی ها یا پهلویان قدیم، نشر دانشسرای عالی شماره ۴۶ سال ۱۳۵۰ ص ۱۵.
- ≠ مرتضی قلی خان صنیع الدوله، "راه نجات"، به کوشش هما رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
- ≠ میرزا محمد حسین فروغی (ذکاءالملک)، تاریخ ساسانیان، طهران، دارالمطبعه، ۱۳۱۴ ق، دو جلد.
- ≠ نوایی، دکتر عبدالحسین، (۱۳۸۳)، در گفتگو با فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۳.

